(وَ مِنْ كَلامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلامُ) فِی الْخَوارِجِ لَمَّا سَمِعَ قَوْلَهُمْ لا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ قالَ عَلَيْهِ السَّلامُ: كَلِمَةُ حَقٍّ يُرادُ بِهَا باطِلٌ، نَعَمْ إِنَّهُ لا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، وَ لكِنْ هؤُلاءِ يَقُولُونَ: لا إِمْرَةَ، وَ إِنَّهُ لابُدَّ لِلنّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فاجِرٍ، يَعْمَلُ فِی إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكافِرُ، وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ، وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفَیْءُ، وَ يُقاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ، وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِیِّ حَتّی يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَراحَ مِنْ فاجِرٍ. وَ فِی رِوايَةٍ أُخْری أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلامُ لَمَّا سَمِعَ تَحكِيمَهُمْ قالَ: حُكْمَ اللَّهِ أَنْتَظِرُ فِيكُمْ. وَ قالَ: أَمَّا الْإِمْرَةُ الْبَرَّةُ فَيَعْمَلُ فِيهَا التَّقِیُّ، وَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْفاجِرَةُ فَيَتَمَتَّعُ فِيهَا الشَّقِیُّ، إِلی أَنْ تَنْقَطِعَ مُدَّتُهُ، وَ تُدْرِكَهُ مَنِيَّتُهُ.

در پاسخ شعار خوارج

ضرورت حکومت

سخن حقی است، که از آن اراده باطل‌شده! آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی اینها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مومنان در سایه حکومت، بکار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد، جاده‌ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند. (در روایت دیگری آمده). منتظر حکم خدا درباره شما هستم. و نیز فرمود: اما در حکومت پاکان،

پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می‌کند ولی در حکومت بـدکاران، ناپـاک از آن بهره‌مند می‌شود تا مدتش سرآید و مرگ فرا رسد.